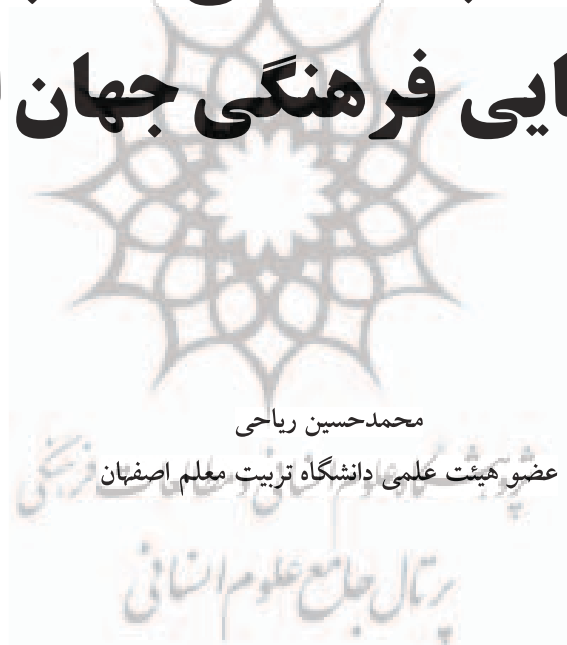


تأثیر کتابخانه‌های مساجد در شکوفایی فرهنگی جهان اسلام



اگر کتابخانه‌ها به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم و مؤثر در پیشرفت فرهنگ و علوم اسلامی مطرح شود، سهم کتابخانه‌های مساجد نیز در این رهگذر بسیار است؛ به طوری که ویل دورانت، نویسنده و محقق معروف تاریخ، آورده است: «در غالب مساجد کتابخانه بود، که تعداد زیادی کتاب داشت و درهای آن بر روی طالبان علم گشوده بود» [دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، بخش اول، ۳۰۴]. مؤلف کتاب تاریخ عرب نیز در این باره می‌نویسد: «مسجد، کتابخانه نیز بود. و کتابخانه‌های مسجد از هدیه‌های مردم مخصوصاً از کتب افراد ثروتمند پر بود.» [حتی، تاریخ عرب، ۵۲۹]

علاوه بر اهمیت مسجد به عنوان پایگاهی عبادی در تاریخ اسلام و در بستر تمدن اسلامی، برای این نهاد معنوی جنبه‌های دیگری نیز مطرح است. از جمله، می‌توان تأثیرات علمی مساجد را در سراسر دنیای اسلام عنوان کرد. یکی از آنها، نقش آموزشی مسجد به عنوان اولین نهادهای علمی و آموزشی است، که صاحب‌نظران و پژوهشگران فرهنگ و تمدن اسلامی در آثار خود بدان پرداخته یا تألیفات مستقلی را در این زمینه نگاشته‌اند.

از دیگر نهادهای فرهنگی و آموزشی رایج در مساجد، وجود دارالکتب یا کتابخانه‌های غنی و عظیم آن بوده است. بی‌شک،

نمازهای جمعه - که از حرمت بسیار برخوردار بود - ارشاد می کردند.

بیشتر مساجد جامع که عمدتاً در وسط مراکز مهم جمعیتی قرار می گرفتند، ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشتند. بنابراین، می توان ادعا کرد که ایجاد کتابخانه در مساجد جامع، با نقش آنها به عنوان محل اجتماعات همگانی و الهی سازگار بوده است. کتابخانه های زیادی در مساجد به وجود آمد که بدون توجه به اندازه یا محل قرار گرفتنشان، مکتبه یا خزانه المصاحف نامیده می شد. هرگاه مسجد یا کتابخانه مسجدی تأسیس می شد، مرسوم بود که نسخه هایی از تمام قرآن یا بخشهایی از آن، به مسجد یا کتابخانه اهدا شود. [مکی سباعی، تاریخ کتابخانه های مساجد، ۸۲-۸۳]. هرکجا پیروان پیامبر اسلام (ص) و اخلافشان می رفتند، کتاب وحی را بارها استنساخ می کردند. چنین به نظر می رسد که این کوشش چنان با اشتیاق انجام می گرفت، که به تدریج کلمات قرآن، وسیله اصلی آموزش و خواندن و نوشتن زبان عربی شد. استنساخ گسترده کتاب وحی، این امکان را فراهم آورد که بسیاری از مسلمانان به داشتن یک نسخه از قرآن یا بیشتر یا بخشهایی از آن، موسوم به جزء یا حزب، مباحث کنند. البته، تملک شخصی قرآن با وجود همه اهمیتی که در حفظ این مقدس ترین کتب مسلمانان داشت، عامل قطعی این کوشش نبود. اطمینان به حفظ کتاب وحی هنگامی حاصل شد، که جوامع اسلامی دریافتند کتاب مقدس آنها به محلی دائمی نیاز دارد که مؤمنان همواره آسان و مطمئن به آن دسترسی داشته باشند. مسجد که بیش از هر نهاد اجتماعی دیگر این نیاز را برآورده می کرد، بی تردید بهترین انتخاب بود. این نتیجه، از آن به بعد تمجید شد؛ به طوری که در سراسر قلمرو اسلامی، مساجد کوچک و بزرگ پر از نسخه های فراوان از تمام یا بخشی از قرآن بوده اند. [مکی سباعی، تاریخ کتابخانه های مساجد ۸۳-۸۴].

حاکمان و وابستگان نزدیکشان، قرآنها نفیسی را به مساجد اهدا می کردند. این رسم در وزرا و بزرگان، اعیان و حتی مردم عادی نیز تاکنون ادامه دارد.

از مطالبی که گذشت، روشن می شود که قرآن کریم، همت واقفان را تحت شعاع قرار داده بود. قرآنها شالوده کتابخانه های

همچنین، روت استل مورن مکتسن در باب پیشینه تاریخی کتابخانه های مساجد آورده است: کتب اهدا می شد. و بسیاری از دانشمندان کتابخانه خود را وقف مسجد شهر خود می کردند تا هم مطمئن باشند که کتابخانه شان محفوظ می ماند، و هم کتابها در دسترس همه دانش آموختگان که به کتابخانه مراجعه می کنند، قرار می گیرد. و بدین ترتیب، دانشگاه های بزرگ قرطبه و طلیطله گسترش یافت، و مسیحیان و مسلمانان از سراسر جهان به آنجا روی آوردند؛ مانند: دانشگاه مشهور الازهر که با گذشت نزدیک به هزار سال، هنوز مشهورترین مرکز آموزش جهان اسلام است. [مکی سباعی، تاریخ کتابخانه های مساجد، ۸۱-۸۲].

این نویسنده غربی که حدود ۵۰ سال قبل، وقت و تلاش قابل ملاحظه ای را صرف مطالعه ابعاد مختلف کتابخانه داری اسلامی و عربی کرد، می نویسد: «کتابهایی که با زحمت فراوان استنساخ و به بهای زیاد خریداری می شد، ارزش محافظت را داشت. صاحبان این کتب آنها را وقف مساجد، حرما و مدرسه ها می کردند تا از آنها مراقبت شود و در دسترس دانشمندان دوره های بعد قرار گیرد.» [مکی سباعی، تاریخ کتابخانه های مساجد، ۸۲].

یاقوت، مؤلف کتابهای جغرافیایی و تراجم احوال، به هنگام مرگ در سال ۶۲۶ هـ. ق، ۱۲۲۹ م، کتابهای خود را وقف حرم زیدی (مسجدزید)، در خیابان دینار بغداد کرد. [محمود ساعتی، وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی، ۸۶].

البته، همه مساجد، کتابخانه ای خاص خود نداشتند، جز در موارد استثنایی، کتابها معمولاً در مسجد اصلی شهر، که مسجد جامع یا به اختصار جامع نامیده می شد، نگهداری می شدند. اگر شهری بیش از یک جامع داشت، وجود مجموعه های کتب در بعضی یا تمام آنها، غیر معمولی نبود. برخلاف مساجد معمولی که فراوان و عمدتاً کوچک بود و برای آن ساخته می شد که مؤمنان نمازهای روزانه خود را در آن به جا آورند، جامعها با ابعادی بزرگ و وسیع ساخته می شدند تا مردم در آنجا با یکدیگر به آزادی معاشرت کنند. رهبران اغلب در جامع، مردم را در



کتابخانه مسجد جامع نارمک، تهران



کتابخانه مسجد خداداد، تهران

مراد خواست تا علاوه بر کارهای خوبی که در مکه مکرمه انجام داد، در آنجا کتابخانه‌ای نظیر کتابخانه‌ای که در مدینه منوره وجود داشت، تأسیس کند. او از همگان این درخواست را کرد، و نوشت: «من از همه علمای اعلام و بزرگان عالی مقام که این چند سطر را می‌خوانند، درخواست می‌کنم که برای کتابخانه‌ای که همجوار با بیت الله الحرام است تلاش کنند، زیرا آنان خودشان به چنین کمکی نیاز دارند [محمود ساعی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۸].»

کم کم درخواست سلطان مراد، جامه عمل به خود پوشانید. در اثر همین استقبال، مجموعه بزرگی از کتابها - که هم اکنون در کتابخانه مسجد الحرام واقع در خارج حرم موجود است - پدید آمد؛ مجموعه‌ای که هزاران نسخه خطی نفیس وقف شده بر حرم را در بر دارد. به نوشته مکی سباعی، این کتابخانه سلیمانی نام داشت. [مکی سباعی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد ۱۱۹].

شمار فراوان کتابها و قرآنهای نفیس کتابخانه مسجدالحرام، بیانگر علاقه فراوان مسلمانان در بخشیدن کتب و رسائل به این مکان مقدس اسلامی است. همچنین، نام بسیاری از واقفان از جمله: حکام، امرا، علما و وزیران در این مجموعه به چشم می‌خورد.

مؤلف کتاب ارزشمند ساختار کتابخانه‌های اسلامی، بر این عقیده است که مساجد در پیدایش کتابخانه‌هایی که در کنار آنها تشکیل شده بود، نقش داشته‌اند. وی برخلاف عقیده یکی از محققان معاصر که معتقد است پیش از قرن پنجم هجری کتابخانه‌های مساجد مشهور نبودند و کتابهای موجود در آنها منحصراً قرآنها بودند، اعتقاد دارد که کتابخانه‌های مساجد پیش از کتابخانه‌های مدارس به وجود آمده است. یحیی محمود ساعی در این باره می‌نویسد: سخن وی، خلاف واقع است. کتبی که میراث گذشتگان ماست، خلاف بودن آن را ثابت می‌کند؛ چرا که پیش از ظهور اندیشه ایجاد مدارس سازمان یافته، مساجد همان مدارس علمی بودند. به همین دلیل می‌توان گفت که زمان تأسیس کتابخانه‌های مساجد، جلوتر از کتابخانه‌های مدارس بوده است [محمود ساعی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۰].

بزرگی را که از قرن دوم هجری به بعد - در دوران درخشندگی نهضت علمی و زیاد شدن تألیفات در زمینه علوم مختلف - در مساجد بسیاری از بلاد اسلامی تأسیس شده بود، تشکیل می‌داد. عالمان، کتاب را وسیله‌ای برای درس و آموزش یافته بودند. شاید در طول سه قرن اول هجری، مساجد از کتابهایی که در زمینه علوم قرآن و حدیث تألیف شده بود، خالی نبودند؛ هرچند اسنادی که مؤید این اظهارنظر باشد، تاکنون به دست ما نرسیده است. ولی مسلماً، قرن چهارم شاهد آغاز وقف کتب بر مساجد در سطح وسیع و گسترده بود. مؤید این نظریه، شکل یافتن کتابهای وقفی در مساجد از اوایل قرن پنجم هجری است [محمود ساعی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۸۶].

کتابخانه‌های مهم مساجد دنیای اسلام

به دلیل اهمیت کتابخانه‌های مساجد در تاریخ و تمدن و فرهنگ اسلامی، شایسته است از مهمترین این کتابخانه‌ها نام برده و توضیحاتی در باب هرکدام داده شود.

۱. کتابخانه مسجدالحرام در مکه مکرمه

از کتابخانه‌های مهم دنیای اسلام، کتابخانه مسجدالحرام در مکه معظمه بود. به نوشته مکی سباعی، کتابخانه مسجدالحرام فهرستی داشت، که عنوانها و نویسندگان نسخه‌های خطی موجود در آنجا را فهرست بندی کرده بود. این فهرست که تاریخ تألیف آن ذکر نشده است، مشخص می‌سازد که این کتابخانه از بعضی عنوانها ۲۰ نسخه یا بیشتر داشت [مکی سباعی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ۱۵۲].

یکی از مورخان متأخر اوایل قرن یازدهم هجری، از سلطان

۲. کتابخانه مسجدالنبی(ص) در مدینه

کتابخانه‌ای که در این مسجد تشکیل شده بود، کتابهایی داشت که حکام، پادشاهان و علمای ثروتمند در مراحل مختلف تاریخی، آنها را وقف کرده بودند. «در سال ۵۸۰ در این مسجد، دو گنجینه بزرگ از کتابها و قرآنهای وقفی وجود داشت.» [ابن جبیر، سفرنامه، ۲۴۱].

پادشاه ایران، شاه شجاع بن مظفر یزدی (د. ۷۸۷ ه. ق)، به هنگام دیدارش از مدینه، یک گنجینه کتب را بر مسجد نبوی وقف کرد.

سخاوی درباره آن می‌گوید: شاه شجاع با آثاری که در حرم پیامبر(ص) از خود برجای نهاد، ابعاد پنهان شخصیت قابل ستایش خویش را آشکار ساخت. از جمله آثار او، گنجینه کتب شریفی است که مشتمل بر بهترین و افتخارآمیزترین کتب بود. هر طالب علمی که برای اقتباس از کتب به آنجا می‌رفت، از گوهرهای

کتابخانه او در اصفهان، به کتابخانه مسجد جامع این شهر انتقال یافت [همایی، تاریخ علوم اسلامی، ۴۶].

با توجه به حکایت‌هایی که درباره عظمت کتابخانه صاحب بن عباد نقل شده است - و از آن جمله اینکه دهها شتر کتابهای او را حمل می‌کردند یا کتب او به ۱۱۷ هزار جلد یا بیشتر می‌رسید -، باید کتابخانه جامع اصفهان را میراثی گرانقدر و متعلق به زمانی پیش از سلاجقه دانست، که در دوران محمد بن ملک شاه طعمه حریق شد! اصفهانی، اغانی، ج ۱، ۱۱؛ ریاحی، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۳]. مؤلف محاسن اصفهان، کتابخانه اصفهان را این گونه وصف می‌کند: «در آنجا، کتابها را چیده و ففونی از دانش را بدان جاویدان ساخته اند. فهرست آن مشتمل بر سه جلد بزرگ است، که مصنفات آن را در اسرار تفاسیر و غرایب حدیث و مؤلفات در نحو و فقه و تفسیر و ابنیه صرف می‌باشد. و نیز، در آن از دیوانها و اشعار برگزیده و اخبار و گزیده‌ای از تاریخ پیغمبران و خلفا و کارنامه پادشاهان و امیران موجود است. و مجموعه‌هایی از علوم اوایل از منطق، ریاضی، طبیعی، الهی و غیره. و از آن خبرهایی که جوایز فضل و ممیز دانش و نادانی به آنها احتیاج پیدا می‌کنند، همه وجود دارد [ریاحی، فرهنگ اصفهان، شماره ۲ و ۳، ۱۸].

۴. کتابخانه مسجد جامع اموی در دمشق

وجود این مسجد در شهر دمشق که در زمانی طولانی از تاریخ اسلام، مرکز فرهنگی و علمی شمرده می‌شد، بیشترین تأثیر را در فعالیت نهضت علمی این شهر داشت. استفاده از این مسجد در امر آموزش، موجب به وجود آمدن کتابخانه‌ای شد که محصول موقوفات علمی علما، خلفا و ثروتمندان بود. از میان کسانی که در ایجاد آن نقش داشته‌اند، می‌توان از این افراد نام برد:

۱. زید بن سعید بن عاصمه ابویمن کنندی (د. ۶۱۳ هـ. ق): او عالم جلیلی بود. کتابهای نفیس خود را که تعدادشان به ۷۶۱ جلد می‌رسید، نخست بر آزادکننده اش نجیب‌الدین یاقوت و سپس بر علمای حدیث، فقه، لغت و غیره وقف کرد. این کتابها در گنجینه بزرگی در مقصوره ابن سنان حلبی قرار داده شد.

۲. سیف‌الدین محمد بن عروه موصلی: مقبره ابن عروه، به او نسبت داده می‌شود. او اولین کسی بود، که در آن را به روی مردم گشود و گنجینه کتب خویش را وقف آنجا کرد. به نظر می‌رسد که این، اختصاص به کتابهای حدیثی داشته است؛ زیرا مقبره ابن عروه را در محل تدریس حدیث قرار داد و آنجا را دارالحدیث العروه نامید.

۳. حسن بن محمد بن اسماعیل بن احمد: وی تاجر و معروف به بدرالدین طحان (د. ۷۴۷ هـ. ق) است. او تا آخر عمر، در مسجد جامع اموی کار کرد و کتبی را بر آن وقف نمود. [محمود ساعتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۴]. به طوری که برخی منابع تاریخی نشان می‌دهد، وقفیات بر این کتابخانه بسیار بوده و در طول تاریخ استمرار داشته است [العش، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی، ۱۵۶].

۵. کتابخانه‌های مساجد بغداد

الف: کتابخانه مسجد جامع ابوحنیفه

انباشته آن بهره می‌جست. مدتی بعد، محمد برزنجی حسینی مدنی نیز گنجینه‌ای از کتب را بر مسجد نبوی وقف کرد. عبدالغنی نابلسی (د. ۱۱۴۳ هـ. ق) در سفرنامه اش، الحضرة الانسیة فی الرحلة القدسیة، آن را وصف کرد و گفت: هنگام عصر، به حرم شریف رفتیم. آنان در گنجینه کتبی را که سید محمد برزنجی حسینی شهر زوری مدنی وقف کرده بود، برای ما گشودند. و ما کتابهای بسیاری در علوم مختلف در آن یافتیم، که از آن جمله، کتاب الجامع الکبیر در علم حدیث، از جلال‌الدین سیوطی بود، که وقف بر حرم پیامبر (ص) شده بود. همچنین در سال ۱۳۲۰ هـ. ق محمد العزیز، وزیر تونس، مجموعه کتابهایی را که به دو هزار جلد می‌رسید، و نیز در سال ۱۳۵۷ هـ. ق ابراهیم منصور مصری، مجموعه‌ای از کتب را بر روضه نبوی وقف کردند. همه کتابهای وقفی گرد آمده در مسجد، به محل کنونی کتابخانه - در بالای باب عمر بن خطاب در سمت شمال آن - انتقال یافت. پیشنهادکننده این کار در سال ۱۳۵۲ هـ. ق، مرحوم عبید مدنی بود [محمود ساعتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۳].

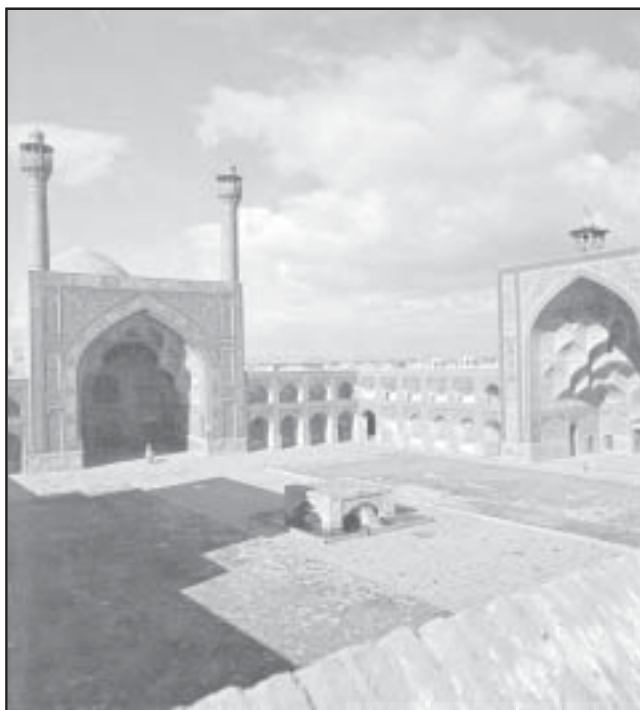
۳. کتابخانه مسجد جامع اصفهان

کتابخانه مسجد جامع اصفهان، از بزرگترین کتابخانه‌های دوران خود به حساب می‌آمد. این دارالکتب، در عهد فخرالدوله دیلمی، از امرای آل بویه، و به همت ابوالعباس ضبی ایجاد شد. این کتابخانه در سمت شمال مسجد، و احتمالاً جنب یکی از درهای ورودی آن بود. غنای این کتابخانه تا حدی بود که نسخه‌های مورد نیاز همه اهل علم در زمینه‌هایی همچون: دینی، ادبی، حکمت و فلسفه را تأمین می‌کرد [جمعی از نویسندگان، جلوه‌های هنر در اصفهان، ۲۲۸].

به نوشته استاد جلال‌الدین همایی، صاحب بن عباد در دو شهر اصفهان و ری - که از مراکز مهم فرهنگی و سیاسی آل بویه بودند - دو کتابخانه عظیم برپا کرد؛ که بعدها، قسمت عمده‌ای از



مسجد الحرام، مکه مکرمه



مسجد جامع اصفهان

۷. کتابخانه جامع نیشابور

در این شهر، کتابخانه‌ای وجود داشت که ریشه‌های تاریخی آن به قرن پنجم هجری بر می‌گشت، یاقوت حموی در شرح حال محمدبن اسحاق زوزنی (د. ۴۶۳ ه. ق.)، به نقل از عبدالغافر بن اسماعیل بن عبدالغافر فارسی - که کارش استنساخ کتاب بوده و مطالب نسخه‌ای که از روی کتاب غریب الحدیث خطابی نوشته بود، برای جدش عبدالغافر فارسی و الحاکم قرائت کرد تا آنان بشنوند و به تصحیح و تدقیق آن پردازند - چنین نوشته است: «سوگند می‌خورم به خدا، که از کتاب غریب الحدیث نسخه‌ای روشنترو و جالبتر از نسخه عبدالغافر باقی نمانده است. این نسخه، هم اکنون در اختیار گنجینه موجود در مسجد جامع قدیمی شهر قرار گرفته تا وقت بر مسلمین باشد. و کسانی که بخواهند به درستی ادعای من پی ببرند، باید به تحقیق و بررسی در مورد آن پردازند» [محمود ساعاتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۱۷۱].

۸. کتابخانه مسجد جامع قرویین فاس در مراکش
از مساجد مهم دنیای اسلام در شمال آفریقا، مسجد قرویین در شهر فاس مراکش است.

پادشاهان مغرب که از بنی مرین بودند، به کتاب اهمیت می‌دادند و گنجینه‌های کتاب متعددی بر طلاب علم این مسجد وقف کردند. قدیمترین آنها، گنجینه العنانه بود که ابوحنان مرینی، آن را در سال ۷۵۰ ه. ق به وجود آورد، که شامل همه علوم بود. یکی از محققان در تعیین محل، معتقد است که گنجینه در مخزن موجود در سمت شرقی صحن، و از سمت راست روبروی درب ورودی مسجد قرار داشت. همچنین، او یادآوری می‌کند که بر سردر، سند وقف بودن آن با حروف برجسته بر روی چوب نوشته شده، و در آن به نام مؤسس، تاریخ و هدف از تأسیس آن تصریح شده

یحیی بن عیسی بن جزله طبیب (د. ۴۹۴ ه. ق) وصیت کرد که کتابهایش، وقف بر مسجد جامع ابوحنیفه در بغداد باشد. این اقدام ابن جزله، حاکی از این است که مسجد کتابخانه داشت [محمود ساعاتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۴].

ب: کتابخانه جامع زیدی

کتابخانه این مسجد، از موقوفات علی بن احمد علوی حسنی زیدی نسب (د. ۵۷۵ ه. ق) بود. او که از بزرگان عصر خویش به شمار می‌رفت، در اهتمام به گردآوری و تهیه کتاب شهرت داشت. به هنگام تأسیس مسجد جامع زیدی، وی به همراه یکی از دوستانش، صبیح النصری، کتابهایشان را وقف بر آن کردند. در میان کتابهای این دو نفر، کتبی که آنان به خط خودشان نوشته، و نیز کتابهایی که دیگران استنساخ نموده یا از کتب دیگر اقتباس کرده بودند، وجود داشت [محمود ساعاتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۲].

یاقوت حموی (د. ۶۲۶ ه. ق) کتب خود را به کتابخانه این مسجد اختصاص داد، و وصیت کرد که وقف آنجا باشد. او کتابهایش را به مورخ مشهور، ابن اثیر صاحب الکامل، سپرد تا او آنها را پس از وفات وی، در کتابخانه مسجد زیدی به ودیعت گذارد [محمود ساعاتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۲].

عبدالعزیز دلف عفیف الدین ناسخ (د. ۶۳۷ ه. ق) که کتابدار کتابخانه‌های بسیاری بود، مدتی نیز سمت کتابداری این کتابخانه را بر عهده داشت [العش، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی، ۲۰۳].

۶. کتابخانه‌های مساجد قاهره

الف: کتابخانه مسجد جامع الازهر

جامع الازهر کتابخانه‌ای مخصوص به خود داشت، دلیل بر آن، مطالبی است که ابن میسر در بخش اخبار مربوط به سال ۵۱۷ ه. ق، در کتاب تاریخ مصر بیان کرد. او منصب خطابه و خزانه‌داری کتب را در جامع الازهر، به ابوفخر صالح داعی الدعاه نسبت داد.

یکی از کسانی که در قرن دوازدهم هجری کتابهایی را بر الازهر وقف کرد، امیر محمد غانم بود. در میان کتب وقف شده او، یک نسخه از کتاب اساس البلاغه زمخشری به چشم می‌خورد، که بر روی این کتاب متن وقفنامه آن در سال ۱۱۳۴ ه. ق نوشته شده بود [محمود ساعاتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۱].

ب: کتابخانه مسجد حاکم (الحاکمی)

مسجد الحاکم تا قرن هشتم هجری، همچنان کتابهای زیادی را دریافت می‌کرد. از جمله آنها، نسخه‌های نفیس از قرآن در هفت مجلد و به خط زر بود، که ارزش هر مجلد آن به ۴۰۰ دینار می‌رسید. این کار به همت محمدبن شریف (د. ۷۱۱ ه. ق) انجام شده بود [العش، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی، ۲۰۳].

است. [محمود ساعتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۷۵].



مسجدالنبی، مدینه منوره

(۱۲۲۷ ۱۵۷۴) در تونس سلطنت می‌کردند - برمی‌گردد. گفته می‌شود که اگر چه تعدادی از اعضای سلسله پادشاهی بنی حفص همچون زکریا بن احمد چندان توجهی به کتابخانه نداشتند، ولی بیشتر پادشاهان و شاهزاده‌های این خانواده برای بهتر کردن و افزودن مقام علمی مسجد ابدالیه با یکدیگر به رقابت پرداختند. مهمترین آنان، فارس بن عبدالعزیز بود که در سال ۷۹۷ هـ. ق/ ۱۳۹۴ م، ۳۶ هزار جلد کتاب به عنوان وقف، به مسجد احمدیه داده بود. [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۰۳].

شخصی که واقعاً کتابخانه احمدیه را احیا کرد. عثمان بیک احمد بود. این شاهزاده علاوه بر توجه و پشتیبانی‌های خود از فعالیت‌های آموزشی مسجد زیتونه، تعداد زیادی کتاب به آن مسجد بویژه به کتابخانه بنی حفص که بعدها به کتابخانه احمدیه موسوم شد، هدیه داد. احمد بن علی الزیاف عوفی در کتاب اتحاف اهل الزمان باخبار ملوک تونس و اهل الامان، درباره موقعیت ویژه مسجد زیتونه و بخشش‌های عثمان بیک، حاکم محل، چنین می‌نویسد: «در زمانی که احمد پاشای اول علاقه خود را به آموزش و پشتیبانی از دانشمندان نشان داد، نفوذ و اعتبار فعالیت‌های مفید او خیلی گسترش پیدا کرد. او کتاب‌های وزیری به نام حسین خواجه و سایر مجموعه کتابها را خریداری کرد، و حتی به آنها کتاب‌های خطی خانواده خود را که در مسجد بیت پاشا نگهداری می‌شد، اضافه کرد. شاهزاده پس از مشاهده اینکه فقط افراد غیرمتخصص از کتاب‌های نادر و باارزش استفاده می‌کنند، با شرکت قضات و دانشمندان شهر، جلسه‌ای در مسجد جامع زیتونه تشکیل داد. پس یک ستون سرباز فرستاد تا هر یک به اندازه قدرت خود، کتاب آورند. حضاری که در جلسه بودند، کتابها را دریافت کرده، از آنها نسخه برداری کرده و آنها را در بیست بسته که قبلاً توسط احمد پاشا ارسال شده بود، قرار دادند» [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۰۳ ۲۰۴].

در بسیاری از اسناد تاریخی، تعداد کتاب‌های کتابخانه مسجد جامع زیتونه را قابل توجه ذکر کرده‌اند. برخی، کتاب‌های کتابخانه‌های مسجد را بالغ بر صد هزار جلد نوشته‌اند. از این تعداد، گویا

۹. کتابخانه‌های مسجد جامع زیتونه در تونس (ابدالیه و احمدیه) در کشور تونس به غیر از مساجد عظیم و پایگاه‌هایی علمی و آموزشی و مؤثر در امور فرهنگ و تمدن اسلامی، مسجد زیتونه مؤسسه علمی بزرگ دیگری بود که تا به امروز پابرجا مانده، و اخیراً نیز به دانشگاه زیتونه نامگذاری شده است. این مسجد که در شهر تونس و حدود (سال ۸۰ هـ. ق / ۶۶۹ م) به وسیله سرداری نظامی به نام حسن بن نعمان بنا شد و در سال (۱۱۶ هـ. ق/ ۷۴۳ م) به همت سرداری نظامی به نام حجب توسعه پیدا کرد، نه تنها دارای یک کتابخانه، بلکه دو و حتی سه کتابخانه داشت. این کتابخانه که ابدالیه نامیده می‌شد، در مرحله اول در ساختمان جداگانه‌ای قرار داشت. ولی بعدها، به داخل مسجد آورده شد. این کتابخانه که آن را صادقیه نیز می‌نامند، به دست شاهزاده ابوبدال محمدبن الحسین (د. ۸۰۹ هـ. ق/ ۱۴۰۶ م) تأسیس شد. این شاهزاده علاوه بر اهدای کتاب‌های زیادی به کتابخانه، افراد دانشمند و مجربی را برای آن مأمور کرد. مؤسس کتابخانه، اداره امور آن را به ابوالبرکه بن اسفا محول کرد، که پیشنماز و امام مسجد زیتونه بود. این کتابخانه توانسته است از حوادث روزگار مصون بماند. گفته می‌شود که بیشتر از پنج هزار کتاب خطی با ارزش که زمانی متعلق به کتابخانه مسجد ابدالیه بود، در سال‌های اخیر به آرشیو ملی تونس منتقل شده است [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۰۳].

روزگار حفصیه، از درخشانترین دوران‌های این مسجد بوده است: در خلال این عصر، حیات علمی جامع زیتونه جلوه و شکوه خاصی داشت؛ به طوری که گروهی از بزرگان دانش در آن پدید آمدند. خطیب ابواسحاق ابراهیم بن حسین بن علی بن عبدالرفیع ربعی و نیز فقیه ابوعلی عمر بن علی بن قدام حواری، از جمله اینانند. ابن بطوطه درباره ابوعلی عمر بن علی گفت: از افادات و برکات علمی این دانشمند، آن بود که هر جمعه پس از ادای نماز به یکی از ستون‌های جامع اعظم معروف به زیتونه پشت می‌داد، و مردم در مسائل مهم فقهی از وی استفتا می‌کردند. و او پس از افتا در باب ۴۰ مسئله، آن مجلس را ترک می‌کرداغیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۷۰].

کتابخانه ابدالیه تنها کتابخانه در مسجد زیتونه نبود، بلکه کتابخانه مرجع دیگری به دست شاهزاده ابوعمر عثمان بنا شده بود. شاهزاده عثمان، نوه ابوفارس عبدالعزیز، حاکم قدرتمند تونس بود که در سال ۷۹۶ هـ. ق/ ۱۳۹۳ م به حکومت رسیده بود. او کتابخانه مجهری ساخت، که در قسمت شرقی زیتونه قرار داشت. اما بیشترین و با ارزشترین مجموعه کتابها در مسجد زیتونه، به کتابخانه «احمدیه» تعلق داشت. اگرچه این کتابخانه به نام شاهزاده عثمانی، احمد پاشای اول (حکومت ۱۲۲۱ - ۱۲۷۱ هـ. ق/ ۱۸۰۶ م)، نامگذاری شده بود؛ اما تأسیس این کتابخانه به زمان سلطنت شاهزاده‌های بنی حفص - که از سال ۵۷۵ تا ۹۸۲ هـ. ق

سهم کتابخانه احمدیه ۳۶ هزار جلد بوده است.

درباره موضوعات کتب و منابع موجود در این دارالکتب نیز مطالبی آورده‌اند. بجز نسخ قرآن، تفاسیر و شرح قرآن، آداب و سنن، تاریخ، شجره‌نامه‌ها، ادبیات، تصوف، تبلیغات مذهبی، قضاوت و قوانین قضایی، فلسفه، علوم سیاسی، کشاورزی، شیمی، نجوم، ستاره‌شناسی، طب و... کتابخانه‌های احمدیه و ابدالیه در مسجد زیتونه تونس را شامل مجموعه کتابهایی همچون: دستور زبان، شعر، منطق، زبانهای محلی، رسوم و آداب معاشرت، اسناد و مدارک، فلسفه عالم هستی، حساب، هندسه، مطالب مربوط به معادن، آموزش حرفه‌ای، آداب و رسوم محلی، طالع بینی، دانسته‌اند. با توجه به این مسئله، می‌توان به توسعه علوم و دانشها و نیز گستردگی آن در آن زمان و اهمیت خاص کتابخانه این مسجد در گذشته، پی برد [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۵۷].

کتابخانه ابدالیه مسجد زیتونه تونس، دارای راهنمایی بود که بسیاری از کتابها را به فهرست درآورده بود. زیدان می‌گوید که این فهرست، در سال ۱۲۹۲ هـ. ق/ ۱۸۷۵م، به چاپ رسید. از طرف دیگر، کتابخانه احمدیه مسجد زیتونه، فهرست چاپ شده‌ای از مجموعه غنی کتابهای خود ندارد. اما دارای یک فهرست دست‌نویس است که همراه با دیگر نسخ خطی، از سوی گروه محققانی که در سال ۱۳۷۶ هـ. ق/ ۱۹۵۶م به تونس فرستاده شده بودند، بررسی شد. این هیئت، از طرف مؤسسه‌ای در قاهره به نام «معهد المخطوطات العربیه» فرستاده شده بود [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۶۰].

آنچه مسلم است، بسیاری از کتب کتابخانه‌های این جامع ارزشمند، طی سالیان متمادی از آنجا خارج شده و دیگر برگشت داده نشده است. از جمله دلایل این کار را برخی، اطمینان زیاد بنیانگذار آن دانسته‌اند. مطابق نوشته‌های ابن ابی الزیاف، مؤسس این کتابخانه، احمد پاشای اول، دستور داده بود که کتابها را به خارج امانت بدهند و مدت آن را یک سال معین کرده بود. [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۶۶-۲۶۷].

کتابخانه‌های مساجد، در حقیقت از مهمترین و سازمان یافته‌ترین دارالکتب در تمدن اسلامی محسوب می‌شده‌اند. این موضوع، در سازمان حاکم بر کارکنان آن نیز دیده می‌شود. انتصاب کتابداران بیش از یک نفر یا یک نفر کتابدار و چند نفر دستیار، در کتابخانه‌های مساجد معمول بود. زیاف در کتاب اتحاف اهل الزمان باخبار ملوک تونس و اهل الامان می‌نویسد: «زمانی که احمد پاشای اول کتابخانه احمدیه را در مسجد زیتونه (تونس) بنا نهاد، دو نفر کتابدار را استخدام کرد. هر کتابدار یا «وکیل» در روزهای مختلف می‌آمدند، و به محصلین در انتخاب کتاب کمک می‌کردند. اما هیچ یک از این افراد یعنی ابن ابی زیاف و منصور که این گزارش را می‌نویسند، نمی‌گویند که چرا این کتابدارها به صورت یک در میان در کتابخانه خدمت می‌کردند. شاید بتوان توضیح داد که منظور مؤسس کتابخانه، این بود که کتابخانه در تمام روزهای هفته دایر باشد» [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۶۹-۲۷۰].

احمد ضمن نگارش مطالبی درباره کتابخانه ابدالیه در مسجد

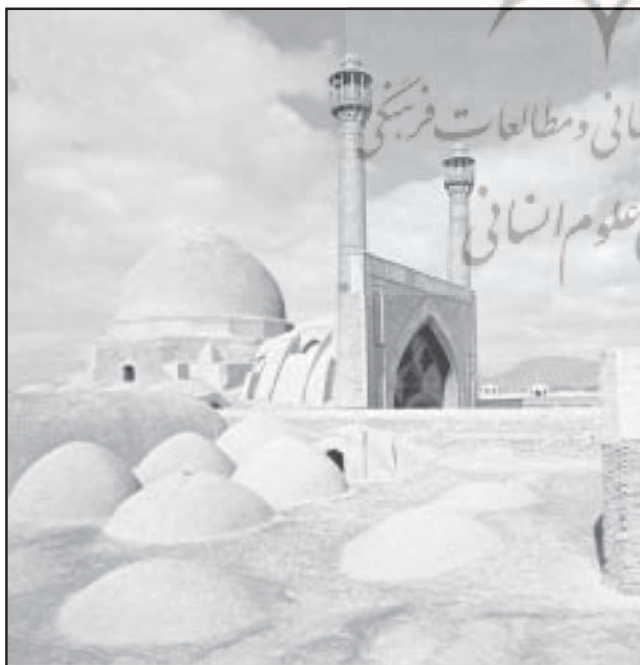
زیتونه، می‌نویسد: «مؤسس کتابخانه، شاهزاده ابو عبدالله محمدبن الحسین (وفات ۸۰۹ هـ. ق/ ۱۴۰۶ م)، چند نفر کتابدار را برای اداره امور آن برگمارد. شاهزاده برای تنظیم امور کتابخانه، مسئولیت عمده آن را به دست ابوالبرکات بن عصفور سپرد، که امام مسجد و رهبر معنوی آن بود» [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۷۰].

در قرون اخیر، متأسفانه کتابخانه‌های جامع زیتونه صدمات بسیاری را متحمل شده است. ضمن بررسیهای جدید از کتابخانه‌های ابدالیه و احمدیه، معلوم شد که کتابهای زیادی به وسیله موریانه‌ها آسیب دیده‌اند. همچنین، بسیاری از کتابخانه‌های مساجد و مدارس دنیای اسلام، بویژه کتابخانه جامع زیتونه، از سوی اروپاییان به غارت رفت. مانونی «Manuni» ضمن ارجاع به ابن ابی دینار مورخ می‌نویسد که در طول غلبه اسپانیا بر تونس در سال ۹۸۰ هـ. ق/ ۱۵۷۲م، مسجد اعظم زیتونه هتک حرمت گردید، و مجموعه‌های کتب آن نابود، پراکنده یا غارت شد. ابن ابی دینار می‌نویسد: خیابانهای اطراف مسجد چنان پوشیده از کتاب بود، که برخی از عابران ناچار بودند از روی آنها بگذرند [مکی سباعی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ۱۷۷].

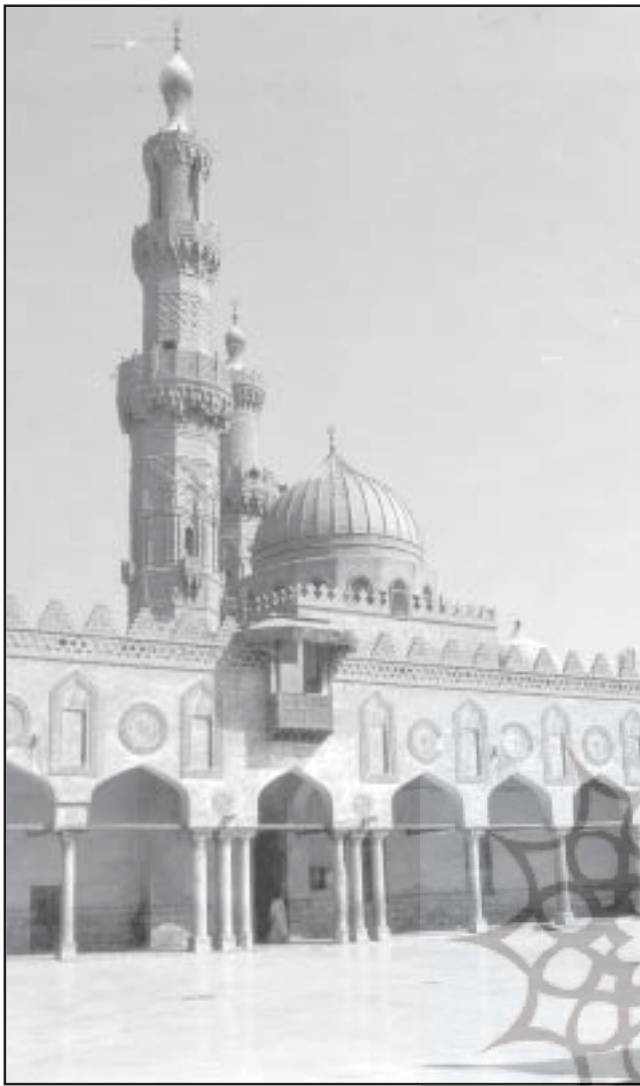
همچنین، گزارش دیگری نیز از فروش بسیاری از کتابهای کتابخانه احمدیه، از جمله کتابهای نادر خطی آن به وسیله شاهزاده زکریا بن احمد، در اواخر قرن هشتم هجری حکایت می‌کند [مکی سباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۹۴-۲۹۵].

۱۰. کتابخانه مسجد جامع مرو

همواره، مرو از شهرهای مطرح خراسان بزرگ محسوب شده است. در گذشته، این شهر کتابخانه‌های مهمی داشت، و بویژه کتابخانه جامع مرو در آن زمان، از ارزشمندترین و غنی‌ترین



مسجد جامع اصفهان



مسجد الازهر، قاهره، مصر

دارالکتب جهان اسلام به شمار می رفت.

یاقوت حموی این موضوع را متذکر شده است. در زمان وی، مرو دو مسجد جامع بزرگ داشت. در درون یک بارو، یکی از آنها به حنفیها و دیگری به شافعیها اختصاص داشت. یاقوت سه سال در مرو اقامت کرد و در این مدت، به جمع آوری مواد فرهنگ بزرگ جغرافیایی خود، موسوم به معجم البلدان، اشتغال داشت؛ زیرا پیش از فتنه مغول کتابخانه های مرو بسیار مشهور بود.

یاقوت خود به این مطلب اشاره کرده است و می گوید: اگر حمله مغولان به آن شهر و ویرانی آن بلد نبود، من تا پایان زندگی خویش در مرو می ماندم. یاقوت از جمله کتابخانه های مرو، دو کتابخانه را که در مسجد جامع آن شهر بود نام برد، که عبارت بودند از: کتابخانه عزیزیه با ۱۲ هزار جلد کتاب، و کتابخانه کمالیه [لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ۲۴۸].

متأسفانه، این گنجینه گرانقدر و دیگر کتابخانه های مرو و نیز همه مساجد، مدارس و بناها، به وسیله تهاجم ویرانگر مغولان نابود گردید، و از این طریق بسیاری از آثار علمی تمدن اسلامی در شرق، طعمه آتش شد. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ۱۱۲ - ۱۱۶. با توجه به اهمیت نقش مساجد در دنیای اسلام، می توان نقش کتابخانه های مساجد را هم در ارتقا و رشد جامعه اسلامی حدس زد، و کاربرد بالا و قابل توجه آن را بررسی کرد.

البته بجز کتابخانه هایی که ذکر گردید و نقش آنان توصیف شد، دارالکتبایی نیز در مساجد شرق و غرب دنیای اسلام بودند، که می توان به کتابخانه های مساجد: جامع بخارا، سمرقند، ری، مراغه، قرطبه، شیراز، کازرون، نجف، کربلا، قونیه، هرات و بلخ اشاره کرد.

متأسفانه، تعداد قابل توجهی از این کتابخانه ها در تهاجمات مغولان، غزان و صلیبیها به غارت رفت یا در آتش سوخت. هنوز در برخی کتابخانه های معروف دنیا در کشورهای اروپایی، آمریکا و خاور دور، نسخه هایی از این کتابها یافت می شود. و این بیانگر موضوع فوق است.

منابع:

۱. ابن جبیر، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱
۲. اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی (گزیده)، ترجمه محمدحسین مشایخ فریدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹
۳. جمعی از نویسندگان، جلوه های هنر در اصفهان (مقاله سیدمحمد محیط طباطبائی)، چاپ اول، تهران، انتشارات جاززاده، ۱۳۶۶
۴. حتی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۶
۵. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، عصر ایمان (بخش اول)، ترجمه ابوطالب صارمی و ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸
۶. ریاحی، محمدحسین، «حریق کتابخانه مسجد جامع اصفهان»، فرهنگ اصفهان (فصلنامه)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، سال اول، شماره ۲ و ۳، بهار ۱۳۷۵

۷. همو، «نهمین سال آتش سوزی جامع اصفهان»، کیهان فرهنگی (نشریه)، سال دوازدهم، شماره ۱۲۳، مهر و آبان ۱۳۷۴
۸. العیش، یوسف، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عربی، ترجمه اسدالله علوی، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲
۹. غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، مقدمه و ترجمه نورالله کسایی، انتشارات یزدان، ۱۳۶۴
۱۰. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴
۱۱. محمود ساعتی، یحیی، وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی، ترجمه احمد امیری شادمهری، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴
۱۲. مکی سباعی، محمد، تاریخ کتابخانه های مساجد، ترجمه محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳
۱۳. همو، نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه علی شکوئی، چاپ اول، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳
۱۴. همایی، جلال الدین، تاریخ علوم اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر هما، ۱۳۶۳
۱۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ هـ. ق. ۱۹۷۹ م